

ببین به دامن حرا	شکوفه های نور را
به جان صخره ها ببین	ترانه حضور را
زالال نور می چکد	ز اوج سبز آسمان
صدای نور می رسد	ز بی کران ز بی کران
ببین بهار تازه را	که از افق برآمده
ز عطر جاودانه اش	شب سیه سرآمده
ببین نثار می کند	زمانه گل به پای او
و زنده می شود زمان	ز عطر آشنای او
رسول مهر آمده	که مژده خدا دهد
و با کلام روشنش	زمانه را صفا دهد
شکفته باغ زندگی	ز عطر سبز نام او
ز نغمه محمدی	ز مژده قیام او